

حقوق بشر از منظر آموزه های اخلاقی زرتشت^۱

حقوق بشر پدیده و مفهومی نوین و مربوط به روزگار ماست و بحث از آن تحت این عنوان در هیچ یک از ادیان و مذاهب گذشته نیامده است. در این مقاله تلاش می شود تا با کنکاشی در اندیشه های زرتشت و ارائه ی تاویلی از آن، این ادعا را مطرح کنیم که حقوق بشر، یک پدیده اشایی و سازگار با آموزه های اصیل زرتشت است. آنچه در ادامه می آید پژوهشی است در بخشی و گوشه ای از تاریخ، فرهنگ و هویت ما ایرانیان و طبعاً همانند هر پژوهش و نوشته دیگری از کاستی و خطا بیرون نیست و بلکه مجموعه ای است از حقایق، داستان ها و برخی ادعاها.

زرتشت و اوستا

از دیر باز، سرزمین ایران سکونتگاه و محل زندگی مردمان و اقوام گوناگونی بوده است. آریاییان از جمله آنها بوده اند. این مردمان پس از مهاجرت و استقرار در این سرزمین، به لحاظ ضروریات و شرایط محیط جدید، آرام آرام بر آن می شوند تا تغییر و تحولات بنیادینی در شیوه زندگی خود و ارزشهای حاکم بر آن بوجود آورند. در آن زمان دیگر امکان آن وجود نداشته است تا همانند گذشته با روش کوچ نشینی و دامداری زندگی تداوم یابد و در این میان البته باورها و عقاید مذهبی این مردم که کاهنان و مغان مروّجان و حافظان آن بوده اند مانع بزرگی در راه پیشرفت به شمار می آمده است. ضرورت تغییر و اصلاح در افکار و شیوه زندگی مردمان آریایی به احتمال زیاد، بسیاری را به فکر چاره انداخته بوده است. در همین دوران زرتشت به عنوان یک اصلاح گر بزرگ ظاهر می شود و با هدف قرار دادن باورهای سنتی این مردم که مبتنی بر پرستش خدایان پنداری همچون میترا و آناهیتا و ... بوده و با ارائه آموزه های اخلاقی جدید، دست به اصلاحاتی ژرف و گسترده می زند و در ادامه کیشی را پی ریزی می کند که ایرانیان را برای دورانی طولانی در شمار متمدن ترین مردمان جهان قرار می دهد. در خصوص مکان و زمان زندگی زرتشت اطلاع دقیقی در دست نیست اما بنا بر شواهد موجود می توان حدس زد که او در فاصله ی زمانی میان استقرار آریاییان در ایران و تشکیل اولین دولت آریایی یعنی ماد، می زیسته و اصلاحات خود را پیگیری می نموده است. در اوستا زادگاه وی ایران ویج (Airyana Vaeja) و محل زندگی او نیز در خاور ایران و بلخ معرفی شده است.^۲ نام اصلی او و یا نام خاندان او سپی تامه (اسپنتمان، سپی تامان) بوده و نام زرتشت ظاهراً لقبی است که بعدها به وی داده اند.^۳

^۱ این مقاله پیش از این در خبرنامه کانون وکلای دادگستری اصفهان، شماره ۳۹، مهرماه ۱۳۸۸، منتشر گردیده است.

^۲ هاشم رضی، اوستا، انتشارات بهجت، چاپ پنجم، ۱۳۸۳، ص ۳۰

^۳ ویلهلم گیگر و ...، زرتشت در گاتاها، انتشارات سخن، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۳۵ الی ۴۰ و همچنین رک به: فرهنگ مهر، فلسفه زرتشت، انتشارات جامی، چاپ چهارم، ۱۳۸۱، صص ۳۷ و ۳۸ و ۱۱۵ الی ۱۳۰

بنا بر قول اوستا که در شاهنامه فردوسی نیز منعکس است،^۴ زرتشت پس از دریافت پیام اهورا مزدا راهی درگاه فرمانروای بلخ - گشتاسب (یا ویشتاسب) - می شود و دین خود را به او عرضه می دارد. گشتاسب نیز جلسه گفتگو و مناظره ای میان زرتشت و چند تن از مشاوران و وزرای دانشمند خود برگزار می کند. در پایان این جلسه، اندیشه اهورایی زرتشت پیروز می شود و گشتاسب و مشاوران دانشمندش به آیین و افکار او می گروند. این موضوع به همین جا پایان نمی یابد؛ همانند هر اندیشه نویی، اندیشه او نیز مخالفان و دشمنانی را در برابر خود به صف آرای می دارد. دشمنان و مخالفان زرتشت برخی فرمانروایان و امیران و برخی نیز کاهنان و پیشوایان مذهبی (مغان) بوده اند که موقعیت و جایگاه خود را با ظهور اندیشه زرتشت و گرویدن پادشاه بلخ و همراهانش به او از دست رفته و یا در شرف نابودی می دیده اند. در گات ها زرتشت بارها این دو گروه را که می کوشند مردم را در نادانی نگه داشته و از آنان بهره برداری کنند، مورد ملامت قرار می دهد.^۵ نبرد زرتشت با ایشان تنها در اندیشه و سخن باقی نمی ماند، جنگ ها و درگیری های فراوان رخ می دهد و بنا بر روایات، سرانجام زرتشت توسط برخی از همین دشمنان خود کشته می شود.^۶

نقش آموزه های زرتشت در کل حیات و هویت ایرانیان (از دیروز تا امروز) غیر قابل انکار است. کتابی که امروزه تحت عنوان اوستا بدست ما رسیده و یکی از منابعی است که سنت زرتشتی را معرفی می کند، تاریخی بسیار پر فراز و نشیب را پشت سر گذاشته است، دورانی از شکوه و عظمت و دورانی از نابودی و سوختن.^۷ امروزه اوستایی که بدست ما رسیده است تقریباً یک چهارم اوستای زمان ساسانیان است.

۴. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، نشر قطره، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۱، صص ۶۴۷ و ۶۴۸.

۵. یسنا، هات ۳۱. همچنین رک به: فرهنگ مهر، پیشین، ص ۳۸.

۶. هاشم رضی، پیشین، صص ۲۵ الی ۴۰. همچنین رک به: عبدالحسین زرین کوب، در قلمرو وجدان، انتشارات سروش، چاپ دوم، ۱۳۷۵، ص ۷۰.

۷. بنا بر روایات تاریخی، اوستا از زمانهای بسیار دور بصورت مکتوب وجود داشته است برای نمونه پلی نیوس مورخ یونانی از هرمی پوس (دیگر مورخ یونانی) نقل می کند که در حدود قرن سوم پیش از میلاد کتاب زرتشت را که به شعر بوده خوانده است. بنا بر قول آذر فرنیغ (دانشمند زرتشتی) در کتاب دینکرد، به فرمان شاه گشتاسب سرود های مقدس زرتشت در ۲۱ نسک و در دو نسخه و بر روی پوست گاو و به آب زر نوشته می شود و یکی از آندو نسخه در خزانه شاهی (گنج شایگان) و دیگری در بایگانی شاهی (دژ نی پشت) نگهداری می گردد. اما بعد از حمله اسکندر به ایران یک نسخه از آن در آتش سوزی تخت جمشید دچار حریق می شود و نسخه دیگر بعدها به یونان برده می شود. [و در نتیجه آنچه در ایران باقی می ماند تنها روایات شفاهی از اوستا و یا برخی از قسمتهایی بوده که از آن آتش سوزی مهیب در امان مانده است.] چند قرن بعد از آن، یکی از پادشاهان اشکانی به نام بلاش دستور می دهد تا به هر نحو ممکن اوستا را گرد آوری و مکتوب کنند. در پی فرمان او عده ای مامور می شوند تا قطعات موجود اوستا را گرد آوری نمایند و عده ای از روحانیون نیز که مقادیری قابل توجه از کتاب بزرگ را از بر داشته اند، آنها را بازگو کرده و هیاتی از کارشناسان زرتشتی آنچه فراهم شده بوده را تدوین می کنند. پس از اشکانیان در دوره ساسانیان اردشیر بابکان (که خود یک موبد زاده است) یکی از موبدان دانشمند به نام «تسسر» (هیرید هیریدان) را بر آن می گمارد تا به دقت اوستای از دست رفته را گرد آورد. پس از اردشیر، شاپور نیز بر این امر همت می گمارد و موبد موبدان روزگار خود که قدیسی به نام «آذر مهر اسپندان» بوده است را مامور گرد آوری اوستا می نماید. (البته ظاهراً شخص اخیر بررسی صحت و سقم اوستای گرد آمده توسط تسسر را بر عهده داشته است.) در پی این تلاشها در زمان ساسانیان، مجموعه سخنان و روایات زرتشت و یا منسوب به وی، مجدداً در ۲۱ نسک نوشته و تدوین می شود. اما پس از سقوط ساسانیان این مجموعه دوباره دستخوش تاراج و غارت می شود و تکه ها و نسک هایی از آن میان می رود. رک به: فرهنگ مهر، پیشین، صص ۱۳۱ و ۱۳۲ همچنین رک به: هاشم رضی، پیشین، ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۲۸ الی ۲۳۰.

اندیشه ها و آموزه های زرتشت پس از او (خواسته یا ناخواسته ، دانسته یا نادانسته) دستخوش تغییرات و دستبرد های فراوان واقع شده است، این موضوع را می توان با مراجعه به گات های زرتشت و مقایسه آن با سایر بخشهای اوستا از جمله وندیداد به روشنی مشاهده نمود.^۸

امروزه آنچه از اوستا باقی مانده است دارای پنج بخش است که عبارتند از : «یسنا»، «ویسپرد»، «یشت»، «وندیداد» و «خرده اوستا». در میان این پنج بخش، چیزی که در انتساب آن به خود زرتشت کمتر جای تردید هست مجموعه سرودهایی است که گات ها (گاته ها) نام دارد.^۹ در حقیقت «تنها آن قسمت از اوستا که به گات ها مشهور است پیام آسمانی و از سروده های اشو زرتشت می باشد؛ و هرگاه به دیانت زرتشتی در دوران اولیه اشاره شود هرگونه برداشتی جز از گات ها از اشو زرتشت نیست بلکه منسوب به وی است.»^{۱۰}

این مجموعه یعنی گات ها که به شعر نیز هست در واقع هفده فصل (هات) از هفتاد و دو فصل بخش یسنا است. یسنا «Yasna» نخستین بخش از اوستا است. این هفده فصل عبارتند از فصل های (۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۳۴ ، ۳۵ ، ۳۶ ، ۳۷ ، ۳۸ ، ۳۹ ، ۴۰ ، ۴۱ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۴۶ ، ۴۷ ، ۴۸ ، ۴۹ ، ۵۰ ، ۵۱ ، ۵۲) که همگی از لحاظ قدمت و کهنگی زبانی و گویشی، سبک شعر، نحوه ارائه مطالب، اندیشه و محتوا با دیگر قسمت های اوستا از جمله با سایر فصل های بخش یسنا متفاوت هستند. از اینرو گفته شده که این هفده سرود، همان سخنان، نیایش ها و اندرزهای دست نخورده زرتشت است.^{۱۱} گات ها مشتمل بر نیایش ها و اندرزهای زرتشت است و از جهت عملی در سه اصل ساده «اندیشه نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» خلاصه می شود.^{۱۲}

نظام اخلاقی:

نظام اخلاقی که زرتشت در گات ها آنرا ارائه می کند در مجموع مبتنی بر رعایت قانون اشا (راستی) و دوری از دروغ (دروغ ، دروج) است. اشا «asha» از منظر زرتشت، نظم و قانون، راستی و درستی، احترام به حقوق فردی و اجتماعی، کار و کوشش ، عدالت و دادگری، آبادانی، احترام به طبیعت، صلح و دوستی و ... است. دروغ نقطه مقابل اشا است. دروغ یعنی هرج و مرج، بیداد و ظلم و خشونت، غارت و چپاول، تقلب و فریب، زهد و ریای دروغین، استثمار مردم به نام دین، قربانی کردن چهارپایان و دامهای سودمند، مستی و توحش به نام عبادت، بی نظمی ، ویرانگری و ...^{۱۳}

^۸ ویلهلم گیگر و ... ، پیشین ، صص ۱۰۶ به بعد و صص ۹۸ و ۳۷۲ . همچنین رک به: هاشم رضی ، پیشین ، صص ۴۷۲

^۹ عبدالحسین زرین کوب ، پیشین ، صص ۶۸

^{۱۰} موبد رستم شهزادی ، مقدمه کتاب اوستا (ترجمه هاشم رضی)

^{۱۱} موبد رستم شهزادی ، قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان ، نشر انجمن زرتشتیان تهران ، ۱۳۶۵ ، صص ۴ . همچنین رک به : هاشم رضی پیشین ، صص ۲۱۱.

^{۱۲} فرهنگ مهر ، پیشین ، صص ۳۴ و ۳۵

^{۱۳} هاشم رضی ، پیشین ، صص ۱۱۲ . همچنین رک به : ویلهلم گیگر و ... ، پیشین ، صص ۱۲۱ به بعد و پاورقی صفحه ۲۱۵ و ۲۱۶.

«ای مزدا آن راهی که از سوی تو آورنده ی آنم، راه راستی (اشا) است، راهی است که سود آدمی در آن است. اما آن راه دیگر راه دروغ است، راهی که جز زیان و تباهی بهره ای نمی دهد. این سان است که آرزومندیم تا مردمان به راه راستی بگردند و با همه نیرو از آن راه دروغ پرهیزند، از آن راهی که مردمان را به خشم و بیداد بر می انگیزد؛ راهی که آدمی را بر ضد چارپایان بر می انگیزد و از کشت و ورز باز می دارد و یکسر گفتار و کردار شان را تباه می سازد و خانه و زندگی شان را با نا امنی قرین کرده و وجدانشان، آشفته شان خواهد کرد. اما آنانی که به نیک منشی بگردند و راستی پیشه سازند و پارسایی را بگزینند، این چنین کسان در بهترین سرزمینها جایگاه یابند.»^{۱۴}

اشا همان خواست اهورا مزدا است. به تعبیر گاتها خواست اهورا مزدا و اشا یکی است. «ای مزدا بوسیله اشا، من اراده و خواست تو را به انجام می رسانم.... آموزشهای من آن است که این زندگی بوسیله اشا پرورده و نیکو و به کام شود و این طریقی است که از اهورا مزدا بر من آشکار شده است.»^{۱۵} اهورا مزدا جهان را منطبق با قانون اشا به گردش وا داشته و جریان امور عالم بر طبق این قانون است. از این رو اشا هم قانون الهی است و هم قانون طبیعت است. و قانونی است دگر گونی ناپذیر و ازلی و ابدی.^{۱۶} و همه ی اندیشه ها و گفتارها و کردارهای مخالف اشا برای عامل کارها و برای اجتماع و کل گیتی زیان آور است. از منظر گات ها، راه شناخت و درک اشا تنها با راهنمایی و هومن (Vohumana) میسر می شود. وهومن در اندیشه زرتشت فرشته ای است که مظهر خرد و اندیشه است و با یاری گرفتن از اوست که می توان نظام اشایی را کشف کرد و زندگی نیک را بر اساس آن پی نهاد.^{۱۷}

حقوق بشر از منظر نظام اخلاقی زرتشت

همانطور که در ابتدا نیز بیان شد، حقوق بشر پدیده و مفهومی نوین است و از آن در هیچ یک از ادیان و مذاهب گذشته سخنی به میان نیامده است. اما به نظر می رسد بتوان با ارائه تفسیر و تاویلی از آموزه های زرتشت، اندیشه های حقوق بشری را سازگار با چنین آموزه هایی دانست. در واقع از آنجا که گوهر آموزه های زرتشت دعوت به پیروی از نظام «اشا» و دوری و پرهیز از نظام «دروغ» است؛ با توجه به اینکه اشا، خواست خداوند است و در تمام طبیعت جریان دارد و در واقع اشا همان قانون و نظام تغییر ناپذیر و ازلی و ابدی حاکم در طبیعت است؛ از آنجا که نظام اشایی را جز بوسیله خرد و اندیشه (وهومن) نمی توان شناخت و با در نظر گرفتن اینکه بر طبق آموزه های زرتشت، تنظیم و تدبیر زندگی فردی و اجتماعی و سیاسی مردمان می باید بر

^{۱۴}. یسنا، هات ۴۹، بندهای ۳ الی ۵، هاشم رضی، پیشین، صص ۱۹۱ الی ۱۹۴. همچنین بنگرید به: فرانک دوانلو، گات های زرتشت (متن تطبیقی)، صص ۳۹۲ الی ۳۹۷.

^{۱۵}. یسنا، هات ۴۶، دو بند پایانی

^{۱۶}. ویلهلم گیگر و...، پیشین، ص ۲۲۲. همچنین رک به: فرهنگ مهر، پیشین، صص ۱۴ و ۶۰ و ۶۱

^{۱۷}. ویلهلم گیگر و...، پیشین، صص ۲۱۵ و ۲۱۶

اساس اشا و راستی صورت گیرد؛ همچنین با توجه به اینکه در اندیشه زرتشت آزادگی و کرامت انسانی بسیار ارزشمند است و همگان محکوم به آزاد بودن و مسؤول بودن در پندار و گفتار و کردار خویش هستند و همچنین از سوی دیگر با توجه به اینکه آرمان حقوق بشر معاصر نیز تنظیم روابط میان مردمان بر اساس صلح و عدالت و راستی و حفظ کرامت و آزادگی و حرمت ذاتی انسان ها می باشد و با لحاظ اینکه این نظام بین المللی، نتیجه ی اندیشه ورزی و تعقل خردمندان و نیک اندیشان روزگار ما جهت پاسداری از کرامت انسانها و همچنین پاسخی به ضرورت های حیات انسانی است، پس می توان با قدرت ادعا کرد که نظام حقوق بشر معاصر در انطباق با نظام اشایی است و در نتیجه از منظر اندیشه زرتشت این دسته از حقوق همان خواست اهورا مزدا است که خردمندان عالم (بر اساس مبانی اخلاقی و ضرورت های عینی و عملی) آنرا دریافته و ارائه نموده اند.

و اگر این ادعا درست باشد بنابراین رعایت هنجارهای حقوق بشر، برابر با مزدا پرستی و روی آوردن به «سپنتا مینو» است و عدم رعایت و نقض آن مساوی با پرستش نظام دروغ و روی آوردن به «انگره مینو» است.

الف) آزادی اندیشه، وجدان و مذهب

بر اساس آموزه های زرتشت در گات ها، انسان ها در طول دوران زندگی، همواره در معرض انتخاب یکی از دو راه هستند: «سپنتا مینو» و «انگره مینو». «سپنتا مینو» تعبیری است از اندیشه نیک، مقدس و آفریننده و «انگره مینو» تعبیری است از اندیشه ویرانگر و فریبنده. از منظر این آموزه ها، انسان آزاد است تا یکی از این دو اندیشه را برگزیند. آنکه با رایزنی خرد به سپنتا مینو می گردد، در زندگی به رستگاری، پیروزی، آرامش و خوشبختی می رسد و آنکه به انگره مینو رو می آورد زندگی اش نابود و ناروا خواهد شد^{۱۸} و چنین فردی مصداقی از اهریمن می شود. اهریمن در اندیشه های زرتشت، انسانی است که انگره مینو و اندیشه های ویرانگر و دروغین را برگزیده است.

«و این است آموزشهایم؛ بشنوید اینک این سخنان را؛ با اندیشه روشن بنگرید؛ مرد و زن بایستی خود اینچنین با رایزنی خرد و اندیشه، راه خود را برگزینند»^{۱۹}

ب) برابری زنان و مردان

در گات ها هر جا زرتشت با مردم سخن می گوید و یا هر گاه مشغول دعا کردن برای انسانها می باشد از زن و مرد در ردیف برابر و با هم یاد می کند.^{۲۰} این موضوع اختصاص به گات ها ندارد و در برخی قسمتهای دیگر

^{۱۸}. یسنا، هات ۳۰، بندهای ۱ الی ۱۱.

^{۱۹}. یسنا، هات ۳۰ بند ۲. هاشم رضی، پیشین، صص ۱۵۹ و ۱۶۰. همچنین بنگرید به: فرانک دونلو، پیشین، صص ۶۶ و ۶۷.

^{۲۰}. «و این است آموزشهایم؛ بشنوید اینک این سخنان را؛ با اندیشه روشن بنگرید؛ مرد و زن بایستی خود اینچنین با رایزنی خرد و اندیشه، راه خود را برگزینند... یسنا، هات ۳۰ بند ۲» «منم زرتشت... ای مزدا که برای نخستین بار آموختم که تویی خداوند جان و خرد... که تویی آن داور بی همال که

اوستا نیز مواردی از آن مشاهده می شود.^{۲۱} زرتشت همچنین در برخی اندرز های خود در گات ها، زنان و مردان را در هنگام اختیار همسر در رده برابر قرار می دهد و برای هر دو آزادی انتخاب قائل است.^{۲۲} همچنین از میان شش فرشته برجسته ی یاد شده در گات ها - امشاسپندان - سه تن از آنان مذکر و سه تن دیگر مونث هستند. برخی معتقدند این تعداد برابر امشاسپندان مذکر و مونث بازتابی از برابری زن و مرد در فرهنگ اوستایی است.^{۲۳}

فرشتگان در سنت زرتشتی جایگاه ویژه ای دارند. این فرشتگان که به برجستگان آنان «امشاسپند» و به سایرین «ایزد» اطلاق می شود، هر کدام نماد و پاسدار رفتار و چیزهایی مادی و یا مینوی هستند. مثلاً «آناهیتا» و «آبان» پاسداران آب هستند؛ «سروش» آموزگار و پیام آور دین است؛ «میترا» پاسدار راستی و وفای به عهد و «رشن» نماد و پاسدار عدالت و دادگری است. بیشتر این فرشتگان، خدایان پنداری و خیالی هستند که آریاییان ایرانی پیش از زرتشت آنها را می پرستیده اند، مانند میترا که پس از زرتشت تنها به عنوان یکی از ایزدان مطرح گشته است.^{۲۴} همانطور که گفته شد در میان فرشتگان شش فرشته از دیگران برتر و جاودانه تراند که به آنها امشاسپندان گفته می شود و به ترتیب عبارتند از: ۱) «بهمن» (وهومن) که نگهدارنده سلامت اندیشه است. ۲) «اردیبهشت» که پاسدار و نگهدارنده سلامت تن است. ۳) «شهریور» که پاسدار فلزات و جمادات است. ۴) «اسفندار مزد» که پاسدار زمین است. ۵) «خرداد» که پاسدار آب و راهنمای وجدان است. ۶) «امرداد» که نگهدارنده بهترین زندگی و بی مرگی است.^{۲۵}

از این میان، سه امشاسپند نخستین مذکر و سه امشاسپند دومی مونث هستند...

سخن پایانی

اندیشه های حقوق بشری و نظام حاکم بر آن، ریشه در عقلانیت مدرن و مفاهیم نوین عدالت دارد. از این رو طرح این ادعا که حقوق بشر در کیش زرتشتی یا هر دین و مذهب دیگری ریشه دارد، کاملاً گزاف و دور از واقعیت است. ادعای این مقاله صرفاً محدود به این نکته بود که می توان با ارائه ی تاویلی از آموزه های اصیل زرتشت و تاکید بر عنصر خرد (وهومن)، اندیشه های حقوق بشری را سازگار با نظام اشایی دانست. این دیدگاه

مردم را به توسط من به میانجی منش نیک و بهترین راستی به کار و کوشش به روی زمین فراخواندی ... اینچنین کسان مردان و زنانی که دستورهای دین را بکار برند رستگار خواهند بود ... یسنا، هات ۴۶، بند ۱۰ «هاشم رضی، پیشین».

^{۲۱} برای نمونه رک به: یسنا، هات ۲۱ - هات ۲۳ - هات ۳۷ - هات ۳۸ - هات ۳۹ - هات ۴۱ - هات ۶۵ - و ویسپرد، کرته اول و دوم و هفتم // «ای اهورا مزدا، این زنان و همه زنان دیگر را که گروهیده به تو می باشند و پیرو راستی، می ستاییم ... یسنا، هات ۳۸».

^{۲۲} یسنا، هات ۵۳، بندهای ۳ الی ۵

^{۲۳} فرهنگ مهر، پیشین، صص ۲۳ و ۶۷.

^{۲۴} هاشم رضی، پیشین، ص ۱۰۶. همچنین رک به: ویلهلم گیگر و ...، پیشین، صص ۱۰۷ و ۱۷۰ و ۱۸۱ الی ۲۰۸.

^{۲۵} فرهنگ مهر، پیشین، صص ۲۱ الی ۲۷

نزدیک به رویکردی است که از سوی برخی عالمان اسلامی در قالب رویکرد معتقد به اجتهاد در اصول یا رویکرد قائل به تجدید تجربه اهل اعتزال، مطرح گردیده است.^{۲۶}

همچنین به نظر می رسد بتوان اندیشه های زرتشت را در دسته نظریات طرفداران حقوق طبیعی قرار داد. در واقع زرتشت نیز همانند طرفداران حقوق طبیعی - البته از نوع کلاسیک و سنتی آن - اعتقاد به وجود یک قانون برتر در جهان دارد به نحوی که سایر قوانین و امور در صورت سازگاری با آن درست و قابل اجرا خواهند بود. قانون اشا، که عبارت از قانونی الهی طبیعی است همین نقش را دارد. از این رو اگر بپذیریم که زرتشت (یا هر کس که گات ها را سروده) در هزاره پیش از میلاد مسیح زندگی می کرده است، این ادعا را نیز می توان مطرح کرد که او پیشگام مکتب حقوق طبیعی یا یکی از پیشگامان آن بوده است.

پی نوشت ها:

- امین، حسن - تاریخ حقوق ایران - انتشارات دایره المعارف ایران شناسی، چاپ اول ۱۳۸۲.
- بارتولومه، کریستیان - زن در حقوق ساسانی، ترجمه ناصر صاحب الزمانی، موسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ دوم ۱۳۴۴.
- بویس، مری - تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی زاده، انتشارات توس، ۱۳۷۶.
- بویس، مری - «کیش زرتشت»، ترجمه مصطفی فرهودی، مجله هفت آسمان، شماره ۲۲، تابستان ۸۳.
- پیرنیا، حسن (مشیرالدوله) - تاریخ ایران قبل از اسلام، نشر نامک، چاپ ششم ۱۳۸۵.
- دوانلو، فرانک - گات های زرتشت (متن تطبیقی)، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول، ۱۳۸۷.
- رضی، هاشم - اوستا (ترجمه و پژوهش)، انتشارات بهجت، تهران، چاپ پنجم ۱۳۸۳.
- زرین کوب، عبدالحسین - در قلمرو وجدان، انتشارات سروش، چاپ دوم ۱۳۷۵.
- شهزادی، رستم - قانون مدنی زرتشتیان در زمان ساسانیان، نشر انجمن زرتشتیان تهران، ۱۳۶۵.
- فره وشی، بهرام - ایرانویج، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ششم ۱۳۸۲.
- گیرشمن - ایران از آغاز تا اسلام، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۴۹.
- گیگر، ویلهلم / والتر، هیتس / ویندشمن، فردریک - زرتشت در گاتاها، ترجمه و پژوهش هاشم رضی، انتشارات سخن، چاپ اول ۱۳۸۲.
- مهر، فرهنگ - فلسفه زرتشت، انتشارات جامی، چاپ چهارم ۱۳۸۱.
- نفیسی، سعید - تاریخ اجتماعی ایران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.

^{۲۶} بنگرید به مقاله نگارنده تحت عنوان «رویکرد های اسلامی در ایران به حقوق بین الملل بشر»، خبرنامه کانون وکلای دادگسری اصفهان، شماره ۲۳.